

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هارون خیل شععی

۲۵ جون ۱۱

لشکرگاه های امریکائی و نقشه های استعماری

بخش پنجم

لشکرگاه های امریکائی و خطر فزاینده نیرو های هسته نی منطقه

برخی از حامیان و هواخواهان تداوم لشکرگاه های امریکائی در افغانستان، استدلال می کنند که یک همسایه ما (پاکستان) از سال ها بدینسو حایز سلاح های اتمی بوده؛ و همسایه دیگر ما (ایران) در آستانه به دست آوردن چنین سلاح ها قرار داشته؛ و کشورهای بزرگ منطقه نظیر روسیه، چین و هند از سالیان متمادی، به مثابه قدرت های نیرومند هسته نی منطقه، شناخته شده اند .

طبق استدلال چنین اشخاص، افغان ها نیز ناگزیر اند تا با توجه به اوضاع و احوال موجود، برای دفاع از تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال سیاسی شان در برابر حملات احتمالی همسایگان مجهز به سلاح های اتمی، از شراکت و همکاری قدرت بزرگ هسته نی جهان یعنی ایالات متحده امریکا بهره مند گردیده تا با استفاده از تأسیسات نظامی شان در کشور ما، به دفع هر تجاوز بیرونی اقدام نماید. اما این طرز فکر از دو جهت مطرود و مردود است:

- یکی این که افغانان آزاده و پُرغرور هیچگاه برای دفاع از خاک، آزادی و نوامیس شان بر تفنگ و برچه عساکر بیگانه، تکیه نمی کنند.

- دوم این که استقرار نیروی های کشور دارنده سلاح های اتمی (ایالات متحده امریکا) در تأمین صلح و امنیت پایدار کشور ما و ثبات اوضاع سیاسی و امنیتی منطقه، کمکی انجام داده نمی تواند. زیرا حملات تروریستی یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱م بر مرکز تجارت جهانی و برخی اهداف دیگر در ایالات متحده امریکا، به وضوح نشان داد، که داشتن سلاح های هسته نی به هیچ وجه ضامن حراست از تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و نظم عامه در یک کشور بوده نمی تواند.

همه ما می دانیم، که هند و پاکستان هر دو دارنده سلاح های هسته نی می باشند؛ و پیوسته در افزایش و عصری کردن آن تلاش می ورزند، ولی با وصف آن هم مشاهده می کنیم، که هیچ وقت از جنگ ها، تصادمات و حملات تروریستی بر یکدیگر مصون نبوده است. قبضه کردن قله های کارگل توسط جنگجویان کشمیری و نیرو های مسلح

پاکستان در سال ۱۹۹۹م، حمله مسلحانه بر پارلمان هند در مصون ترین ناحیه پایتخت این کشور در سال ۲۰۰۲م و بالاتر از همه حملات پیچیده و سازمان یافته تروریستی سال ۲۰۰۸م بر هشت مرکز مهم تجارت و سیاحت آن کشور در ممبئی، بزرگترین و مهمترین شهر تجاری آن کشور، همه مدارک انکار ناپذیر این مدعا است .

با توجه به چنین تهاجمات و حملات دراماتیک علیه تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، امنیت و نظم عامه هندوستان، سوال اساسی اینست، که سلاح های اتمی تدارک شده به قیمت زندگی میلیون ها انسان فقیر و بیچاره این کشور، چه کمکی به نیرو های مسلح هندوستان در طرد و دفع این تجاوزات تروریستی رساند؟

به منظور اقناع هر چه بیشتر مدافعان و هواخواهان حضور لشکریان امریکائی در کشور عزیز ما، عاری از دلچسپی نخواهد بود تا موضوع را از یک زاویه دیگری نیز مورد بحث و بررسی قرار دهیم. بر همگان روشن است، که چین، هند و پاکستان هر سه قدرت های هسته ئی منطقه به حساب می آید. در مجاورت نزدیک یا نسبتاً دورشان کشور های کوچک بوتان، نیپال و بنگلادیش موقعیت دارد. این سه کشور نادر و فقیر با اتخاذ سیاست عدم مداخله در امور داخلی کشور های همسایه، هیچگاه ترس سلاح های اتمی همسایگان گرد و نواح خویش را به خود راه نداده است. همسایگان شمالی ما (تاجیکستان، قرغیزستان، ازبکستان و ترکمنستان) و چند قدم فراتر از اینها، کشور های مغولستان، آذربایجان، گرجستان، ترکیه، ارمنستان و غیره نیز در میان دولت های دارای سلاح های اتمی مانند چین، قزاقستان و روسیه موقعیت دارد، که ایران نیز به زودی بر آن ها افزوده خواهد شد. اما با آن هم از سلاح های هسته ئی همسایگان خویش، هیچ گونه بیم و هراسی به خود راه نمی دهد .

ازین که بگذریم، کیوبا با داشتن نظام کاملاً علی حده سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از بزرگترین و نیرومندترین طاقت نظامی جهان کنونی (ایالات متحده امریکا) بیش از هشتاد - نود (۸۰-۹۰) کیلو متر فاصله ندارد. آیا برای دفاع از نظام و قلمرو خویش باید به سان سایر کشور های اتمی نظیر هند، پاکستان و ایران ، رو به سلاح های هسته ئی بیارد؟ ویا اینکه از قدرت دیگر اتمی، بالفرض روسیه، چین و غیره دعوت به عمل آورده تا تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و سیستم سیاسی - اقتصادی اشرا در برابر خطرات احتمالی ایالات متحده، دفاع نماید؟ از نظر این عاجز، چنین طرز فکر قطعاً راه معقول دفاع از خاک و ارزش های ملی یک کشور، پنداشته نمی شود . چه، تجارب تلخ تاریخی نشان می دهد، که بحران اتمی سال ۱۹۶۱م میان اتحاد شوروی سابق و ایالات متحده امریکا بر مسأله کیوبا، به آسانی می توانست به علاوه این کشور کوچک کارابین، امنیت و ثبات سایر کشور های منطقه را نیز با تهدید بالقوه فاجعه اتمی، مواجه سازد.

از همین جهت، سلاح های اتمی نه تنها ضامن امنیت ملی یک کشور نبوده، بلکه سلاح های مدهش و خطرناکی است، که می تواند علاوه بر تباهی مردم کشور حایز سلاح های هسته ئی، زمینه آفات و صدمات بزرگ به مردمان و محیط زیست کشور های همسایه را نیز فراهم سازد. بنابراین، هیچ گاه نباید برای به دست آوردن یا عاریه گرفتن آن دل خوش نشان داد. همسایگان ما نیز باید از ساختن و رقابت در ازدیاد چنین سلاح های وحشتناک ضد انسانی، هر چه زودتر دست بکشند. حوادث فاجعه بارچرنوبیل در اوکراین (۱۹۸۶م) و فوکوشیمای جاپان (۲۰۱۱م) به اثبات رساند، که حتی قدرت های پیشرفته و مقتدر جهان نیز در حالات اضطراری مثل زلزله، طوفان، آتش فشان، حملات تروریستی و سایر حوادث غیرمترقبه طبیعی و انسانی، قادر به کنترل، عواقب خطرناک و خوفناک آن نمی باشد.

جای شرمست، که دولت های هند و پاکستان برای نان، لباس، خانه، دوا و تعلیم اتباع خویش پول ندارند، ولی با تقبل صد ها میلیون دالر هزینه، راه ساختن سلاح های مرگبار اتمی را در پیش گرفته اند. البته، در این گونه سیاست های نظامی گرانه این دو کشور نیز منافع آزمندانه حلقات حاکم و دولت های استعماری نهفته است .

مقصد از ذکر مختصر این همه حقایق اینست، که ایجاد ترس و نگرانی در اذهان هموطنان غیور ما از بابت سلاح های اتمی همسایگان یا سایر دولت های منطقه، اساس واقعی و عملی ندارد؛ و آنهم به دو دلیل زیرین :

- یکی این که سلاح های اتمی همسایگان ما اصلاً نمی تواند کوچکترین تشویشی در اذهان مردم شجاع و بی باک ما، ایجاد نماید.

- دوم این که کشورهای همسایه برای بر هم زدن فضای صلح و امنیت در کشور ما از توپ و تانک و طیاره خویش، به ندرت کار می گیرد؛ و احتمال کاربرد سلاح های اتمی را حتی در جنگ های منظم و اعلام شده میان دولت های جهان نیز امر بسیار بعید باید خواند. ازین رو، طرح خنثی ساختن چنین حملات خیالی و توهمی به زور عساکر امریکائی و ناتو از هر جانب نادرست و مضحک به نظر می رسد .

ما باید به این واقعیت مسلم دقیقاً پی ببریم، که استعمال سلاح های اتمی میان دولت های متحارب اصلاً برنده و بازنده ندارد. در صورت وقوع همچو جنگ ها همه بازنده خواهند بود. سلاح های هسته ئی مانند سایر سلاح های کشتار جمعی، لکه سیاه و ننگین بر پیشانی تمدن بشری است. کشور های مدعی تمدن و پیشرفت انسانی باید از ساختن و استعمال چنین سلاح های تباهن، جداً خودداری نمایند.

شکی نیست، که تعداد کثیری از کشورهای همسایه و منطقه، به خصوص پاکستان و ایران در امور داخلی ما آشکارا مداخله می نمایند. اما با کمال تأسف، که این همه مداخلات از آغاز شروع آن تا کنون، همیشه به کمک و یاری هموطنان ما صورت گرفته و می گیرد. هرگاه هموطنان ما با مداخله گران پاکستانی، ایرانی، عربی، روسی، انگلیسی، امریکائی و دیگران دست به دست هم ندهند، سیاستمداران و نظامیان پاکستان، ایران و سایر کشور ها به هزار سال جرأت نخواهند کرد تا خاک مرد خیز، آزاده و پُر غرور ما را مورد حمله و تجاوز قرار دهند.

این همه مداخلات و تجاوزات ظالمانه، چنانکه قبلاً هم اشاره رفت، به شکل پروکسی وار یا جنگ بیگانه و نیابتی صورت می گیرد، که طراحان و سازمان دهندگان آن دور از محل وقوع جنگها، در قصرها و شیشه خانه های خویش نشسته اند. کشورهای دیگر را کنار می گذاریم . صرفاً دو کشور هند و پاکستان را در نظر می گیریم، که مداخلات شان در امور داخلی ما چه مصائبی به دنبال دارد. خوانندگان آگاه و اندیشمند ما می دانند، که نیرو های مسلح این دو کشور در تاریخ شصت و چهار ساله خویش چهار بار یعنی در سال های ۱۹۴۷م، ۱۹۶۵م، ۱۹۷۱م و ۱۹۹۹م، به مصاف جنگ رفتند؛ و تلفات سنگین جانی و خسارات هنگفت مالی بر یکدیگر وارد آوردند. دوستان عزیز و گرانقدر، تفصیل جنگ های خونین میان هند و پاکستان را درین صفحات ویکیبیدیا، مطالعه نمایند.

http://en.wikipedia.org/wiki/Indo-Pakistani_wars_and_conflicts

http://en.wikipedia.org/wiki/Indo-Pakistani_War_of_۱۹۶۵

http://en.wikipedia.org/wiki/Indo-Pakistani_War_of_۱۹۷۱

http://en.wikipedia.org/wiki/Kargil_War

همه ما به چشم سر می بینیم، که این دو کشور همسایه از تقریباً ده سال بدینسو در کشور آشوب زده و ویران شده ما بابر باد دادن میلیون ها دالر، دشمنی های شصت و چهار ساله خویش را، ادامه می دهد.

حکمرانان سیاسی و نظامی پاکستان به منظور تلافی شکست های فزاینده و تجزیه کشمیر از خاک هند، با تمام نیرو تلاش می ورزند تا از طریق نصب کردن یک حکومت مزدور یا لاقط دوست و همدرد در کابل، به کسب عمق ستراتژیک برای کشور شان دست یابد. در حالی که سیاستمداران هند با جدیت سعی می کنند تا با خنثی ساختن پلان های ستراتژیک نظامیگران پاکستان در افغانستان و ایجاد مشکلات گوناگون در ایالت بلوچستان و شهر کراچی، از حملات تخریبی جنگجویان اسلامی به کمک نیرو های مسلح پاکستانی در منطقه حساس ستراتژیک کشمیر، جلوگیری به عمل آرد. البته، تلاش به خاطر دست یابی به مواد خام ارزان و بازاریابی برای اجناس صنعتی شان در افغانستان و کشور های آسیای میانه، از پهلو های دیگر رقابت های سیاسی، اقتصادی و نظامی این دو کشور همسایه به شمار می آید. خوانندگان عالیقدر ما خوب مشاهده می کنند، که خاک از ما، خون از ما، بربادی و تباهی از ما، اما اهداف و منافع از آنها. این را به زبان ساده و عامیانه مردم ما می گویند: رذالت، منافقت و شیطنت.

سوال مهم و اساسی در همجو شرایط و حالات اینست، که مراکز نظامی امریکای مجهز با سلاح های اتمی چه درد ما افغان ها را دوا کرده می تواند؟ مگر از ده سال اشغال افغانستان به دست نیرو های امریکائی و ائتلافی تاکنون شاهد مداخلات و تجاوزات کم نظامیگران پاکستانی و آخوند های ایرانی بوده ایم؟ آیا نیرو های امریکائی و ائتلافی به منظور دفع و طرد آن، تا حال به کدام اقدام جوابی دست زده اند؟ و یا برای متوقف کردن اساسی و همیشگی آن بر نظامیگران پاکستانی و آخوند های ایرانی فشار آورده اند؟ این وضع غیر مسؤولانه به خودی خود می رساند، که عساکر امریکائی و ائتلافی نه به خاطر دفاع از تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، استقلال سیاسی، ریشه کن ساختن تروریسم و تأمین صلح و امنیت در کشور ما، بلکه برای خت کردن آب و ماهی گرفتن در آن، به اینجا آمده اند. از حملات و قیحانه بیرونی و کارشکنی های داخلی صرف برای یک مقصد استفاده به عمل آمده است، که آن عبارت از توجیه حضور دائمی عساکر امریکائی و ناتو در افغانستان است و بس.

تاریخ پُر افتخار ملی ما بیانگر این واقعیت است، که پیروزی های مردم غیور ما در نبرد مقدس علیه مهاجمان اجنبی نه در سلاح ها و تجهیزات جنگی، بلکه در وحدت، یک پارچگی و جانفشانی آنان بوده است. تجهیزات جنگی، وسایل تخنیک، تعلیم و تربیه، اکمالات و فراهم آوری سایر نیازمندی ها، همه در جایش از اهمیت بسزائی برخوردار بوده، ولی هیچ چیز جای همبستگی، روحیه عالی رزمی، احساسات آزادیخواهانه و اراده شکست ناپذیر مردم را نخواهد گرفت. آیا شکست های فزاینده بار امپراتوری برتانونی و روسی با آن همه برتری های نظامی و اقتصادی شان، مؤید و مثبت این حقیقت نیست؟ اوراق تاریخ نشان می دهد، که تجهیزات جنگی و سامان آلات لوژستیکی افغان ها به هیچ وجه نه با لشکر مهاجم فرنگی در قرن نوزدهم، و نه هم با اردوی سرخ شوروی در سالهای هشتاد سده بیستم، قابل مقایسه بوده است. در سایر معرکه های ملی ما طی ادوار مختلف تاریخی نیز وضع به همین منوال بوده است؛ و جنگ جاری با امریکا و ائتلاف بیش از چهل کشور جهان نیز همین خصوصیت را داراست.

از هموطنان سراسیمه و نگران نسبت به سلاح های اتمی پاکستان و ایران، باید پرسید: آیا سجده کردن به بت کوچک یا کلان هر دو بت پرستی نیست؟ آیا می توان توجیه کرد، که به خاطر نجات از مداخلات همسایگان طماع و مغرض خود باید حتماً طوق غلامی امریکا و ناتو را به گردن انداخت؟ آیا این عمل پایه منطقی و معقول خواهد داشت تا برای رهائی از چنگال شغالان دور و بر، به آغوش هیولای مخوف و وحشتناک، پناه بُرد؟ مگر عقل و منطق چه حکم می کند، که برای نجات مان از خطر دو بلا (کوچک و بزرگ) باید طرف کدام بلا را در پیش

گرفت؟ آیا حکم عقل و منطق این نخواهد بود تا از قدم برداشتن به سوی بلایی که نیرومندتر و خطرناکتر است، بپرهیزیم؟ مگر از درک این حقیقت ساده سر در نمی آوریم، که هر قدر بلا بزرگ و نیرومند بوده، به همان اندازه رهایی از چنگال ها و پنجه های آن، کار آسان و ساده نخواهد بود. از جانب دیگر، آیا فراموش کرده ایم، که بلای پاکستانی، هندی، ایرانی، عربی، چینی، روسی، امریکائی و غیره صرف در رنگ و چهره ظاهری با هم تفاوت داشته، نه درخوی و خصلت شان. همه این بلاها طی سی سال گذشته برای به دست آوردن منافع ضد انسانی شان در افغانستان، به کلبه فقیرانه ما آتش زدند؛ هیچکدام شان بر خون، مال و ناموس ما صرفه نکردند؛ و تا حال با چشم باز می بینیم، که هر کدام ازین بلا ها برای اهداف و مقاصد حیوانی خویش، از هیچ گونه جنایت و تباہکاری درکشور ما دست بردار نیست. ازین سبب، برتری بلای سفید بر بلای دیگری، حماقت و خودکشیی بیش نیست. جز چند وطنفروش و مزدور بی وجدان که سیاه را سفید و سفید را سیاه می خواند، کافه افغان های آگاه و بیدار به خوبی درک می کنند، که گاو سیاه و شیرش سفید است.

چنانکه قبلاً هم اشاره نمودیم، همسایگان و کشور های مغرض منطقه از سال های طولانی، علی الخصوص سی و دو سال اخیر همواره در امور داخلی کشور ما مداخله نموده است؛ و تا قدرت دارد ازین عمل زشت و غیر انسانی شان دریغ نخواهد کرد. اما با وجود این واقعیت آشکار، ما افغان ها نیز از مسؤلیت و ملامتی در زمینه سازی به چنین مداخلات و تجاوزات نمی توانیم مبراء باشیم؛ به عنوان مثال هرگاه پرچمی های فروخته شده با تهاجم اردوی سرخ شوروی همکاری نمی کردند، پاکستان، ایران، هند، چین، کشور های عربی، ایالات متحده امریکا و سایر دولت های غربی چگونه زمینه مداخلات خونین و بی شرمانه در امور داخلی کشور ما را به دست می آوردند؟ به همین ترتیب، اگر جنبش طالبان، اعضای القاعده و سایر گروه های افراطی اسلامی را با چنان مهربانی و دلگرمی در آغوش نمی گرفتند، کاوبایان امریکائی روی چه بهانه ای به کمک مزدوران اتحاد سابق شمال و کرزی غلام منش، بر سرزمین آزاده و سربلند ما یورش می آوردند؟ و اینک یکبار دیگر شاهدیم، که رژیم مزدورکرزی، دار دسته های جانبیان و جیره خواران گوناگون لشکر امریکائی و ائتلافی از طریق به اصطلاح «رسمیت دادن» و «قانونی ساختن» آشیانه های مخوف استعماری، به ماجراجوئی خطرناک دیگر جهت تشدید مداخلات بیگانگان دامن می زنند.

این مسأله ضرورت به وضاحت و تفسیر ندارد، که با تداوم لشکرگاه های امریکائی در افغانستان، بر ترس و هراس کلبه همسایگان و بازیگران مغرض منطقه ئی، افزوده خواهد شد. این حقیقت را نیز همه ما به خوبی درک می نمائیم، که انسان، حیوان و حتی نبات در حالت ترس و اضطراب، به عکس العمل های خطرناکی، توسل می جوید. نتیجه این خواهد شد، که کشور های مداخله گر دیروزی و امروزی با تمام نیروی خود به تشدید جنگ، خونریزی و تباہکاری در مادر وطن ویران و آغشته به خون ما، کمر خواهد بست. بدیهیست، که این کارزار وحشیانه، میزان ناامنی و بی ثباتی در افغانستان و منطقه را بلندخواهد برد؛ و خطرات این خون خرابه ها، تصادمات مسلحانه و مشکلات گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پیش از همه متوجه مردم بیچاره و ستم کشیده ما، خاصاً پشتون های مظلوم و ستم کشیده، خواهد بود. ازین رو باید با تمام قواء تلاش به خرچ دهیم تا مردم و میهن را از شعله های ظالمانه این جنگ وحشتناک و تباہکن، نجات دهیم.

ادامه دارد